



اجتماعی در هر دو کشور را
تحت تأثیر قرار داد.

قدرت نظامی ایران و
عراق از آغاز جنگ در سال
۱۹۸۰ میلادی تا پایان جنگ
در سال ۱۹۸۷ هیچگاه با
یکدیگر برابری نمی نمود.
عراق پس از مصر دارای
بزرگ ترین ارتش عرب
بود.^(۳) این ارتش از زیاده ترین
و مجهزترین ارتش های
منطقه محسوب می شد. در
سال ۱۹۸۰ بودجه نظامی
عراق ۶۳ درصد افزایش
یافت و ۱۵ کشور جهان بیش

قرار می دهد، موضع گیری و اقدام کشورها، به ویژه
کشورهای منطقه و قدرت های بزرگ جهانی در
قبال آن نیز اجتناب ناپذیر است. واکنش کشورهای
منطقه و قدرتمند جهان به جنگ ایران و عراق و مقدم
بر آن به انقلاب اسلامی بر سه قسم بود: حمایت از
عراق، حمایت از ایران و بی طرفی. در طول هشت
سال جنگ، حمایت ها و بی طرفی ها در حالت
سکون نبود و پویایی آنها افزون بر تحولات خود آن
کشور و نظام بین الملل به تحولات صحنه جنگ و
روابط با دو طرف درگیر بستگی داشت.^(۴) با گسترش
گستره جغرافیایی جنگ، حملات هوایی در دریا و
خشکی تشدید شد و ارتش عراق از سلاح های
متنوع تر و پیچیده تری استفاده کرد و کشورهای
دیگر منطقه از جمله عربستان و کویت، دو ابرقدرت
وقت (آمریکا و شوروی) و همچنین قدرت های
بزرگ اروپایی نیز در آن درگیر شدند.

یکی از ویژگی های آشکار جنگ تحمیلی عراق
علیه ایران این بود که نبرد زمینی به نبرد دریایی
گسترش پیدا کرد. نوع اخیر جنگ، ماهیتاً به گونه ای
است که تأثیرپذیری دولت های ثالث و بی طرف در
آن، برخلاف جنگ های هوایی و زمینی، بیشتر
است. دولت عراق به مرور زمان، متأثر از اوضاع و

از ۶ میلیارد دلار تجهیزات نظامی در اختیار این
کشور قرار دادند. در مجموع، عراق در آغاز دهه
۱۹۸۰ به بزرگ ترین قدرت نظامی منطقه تبدیل شده
بود. این قدرت نظامی به همراه قدرت اقتصادی با
پشتوانه ۲۴ میلیارد دلار درآمد نفتی در سال ۱۹۷۹ و با
ارائه چهره ای با ثبات از لحاظ سیاسی، موقعیت
ممتازی در معادلات منطقه ای به دست آورد.^(۵)

پس از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که براساس آن مرز
مشترک آبی در رودخانه اروندرود طبق قوانین
بین المللی خط تالوگ شناخته شد، رهبران عراق به
تجدیدنظر در سیاست خارجی خود پرداخته،
سیاست نزدیکی به کشورهای غربی به ویژه
کشورهای اروپایی را مورد توجه قرار دادند. رهبران
عراق با حفظ رابطه استراتژیک خود با شوروی، به
تقویت روابط با کشورهای غربی اقدام نمودند. در
این دوره فرانسه پس از شوروی، اصلی ترین
تأمین کننده سلاح های عراق بود از این رو در اواخر
دهه ۱۹۷۰ ارتش عراق به یکی از مجهزترین و
قوی ترین ارتش های منطقه مبدل شد.^(۵)

از آن جا که جنگ به عنوان یک پدیده بین المللی
بیشتر از قاعده بازی با حاصل جمع جبری صفر (برد-
باخت) پیروی می کند و منافع دیگران را تحت تأثیر

حامیان عراق در جنگ تحمیلی

الف) ابر قدرت ها

آمریکا

کشورهای زیادی در تسلیح و تجهیز رژیم صدام به سلاح های مرگ بار نقش داشتند؛ اما در این میان، دولت آمریکا بیشترین سهم را در مسلح کردن رژیم صدام و حمایت های سیاسی، اقتصادی و نظامی از این رژیم داشت. با آغاز جنگ در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، نگرانی ها و امیدهای بالقوه ای برای ایالات متحده مطرح شد که ناشی از موقعیت استراتژیک خلیج فارس و مطرح بودن منافع حیاتی برای این کشور در منطقه بود. یکی از

نگرانی های دولت کارتر، گسترش خشونت در منطقه و بروز اختلال در صدور بیش از ۶۰ درصد نفت مصرفی بود. نگرانی دیگر واشنگتن، برخورداری اتحاد شوروی از آزادی عمل دیپلماتیک بسیار بیشتری نسبت به آمریکا و افزایش نفوذ سیاسی آن کشور در

دولت آمریکا بیشترین
سهم را در مسلح کردن
رژیم صدام و حمایت های
سیاسی، اقتصادی و نظامی
از این رژیم داشت

منطقه بود. روس ها نه تنها با هر دو کشور درگیر روابط سیاسی داشتند و تأمین کننده اصلی سلاح های عراق به شمار می آمدند، بلکه به ایران نیز پیشنهاد فروش تسلیحات را داده بودند. در حالی که ایالات متحده با هیچ یک از طرفین درگیر، روابط دیپلماتیک نداشت.

برژینسکی، به عنوان مغز متفکر و تصمیم گیرنده آمریکا برای مقابله با ایران، در تیرماه ۱۳۵۹ برنامه مذاکره محرمانه مقامات عالی رتبه آمریکا و عراق را طراحی کرد. به گزارش نشریه نیویورک تایمز، هدف از این دیدار بحث و مذاکره درباره راه های هماهنگ کردن فعالیت های آمریکا و عراق در مخالفت با

احوال سیاسی، نظامی و اقتصادی منطقه، و هم به انگیزه بین المللی کردن منازعه و دخالت دادن دولت های ثالث و فشار بر ایران و محروم ساختن آن از درآمد نفت، تعمداً جنگ را به صحنه دریا کشاند و بر دامنه و شدت آن افزود؛ از منطقه ممنوعه بهره برد و از سلاح های ممنوعه نیز علیه کشتی های بی طرف استفاده کرد. از این رو، آسیب پذیری دولت های ثالث و بی طرف موضوعیت یافت و عملاً به دخالت دولت های ثالث و در نهایت مشارکت در جنگ به نفع عراق منجر گردید.

در ابتدای جنگ، قدرت های بزرگ به طور آشکار در جنگ درگیر نشدند؛ اما به مرور زمان ایالات متحده، فرانسه، آلمان، انگلیس، شوروی و چین به میزان کمک ها به عراق افزودند.^(۷) برای غرب و آمریکا، ایران دیگر یک متحد محسوب نمی شد و برای چین و شوروی نیز انقلاب اسلامی می توانست امنیت و ثبات را در اقطار مسلمان این کشورها برهم بزند.^(۸) سال ۱۹۸۲ بزرگ ترین نقطه عطف هم به لحاظ نظامی و هم به لحاظ سیاسی در جنگ عراق علیه ایران بود. در اواخر بهار، نیروهای ایرانی مناطق نزدیک به دزفول و شوش و همچنین شهر خرمشهر را که همه آنها از لحاظ استراتژیک اهمیت فوق العاده ای داشتند آزاد ساختند.^(۹) پس از فتح خرمشهر، قدرت های بزرگ به این نتیجه رسیدند که در صورت بی توجهی به جنگ ایران و عراق، این جنگ به تغییر رژیم بعث توسط نیروهای ایرانی و برهم خوردن توازن قدرت منطقه ای منجر خواهد شد. در چنین شرایطی قدرت های بزرگ به صورت آشکار حمایت شان را از رژیم بعث اعلام کردند. در همین دوران، ایالات متحده روابط سیاسی اش را با عراق که از جنگ بین اعراب - اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به بعد قطع شده بود، از سر گرفت. علاوه بر آن کشورهای بزرگ اروپایی و همچنین شوروی و چین به صورت آشکار، اطلاعات و کمک های نظامی را در اختیار رژیم صدام قرار دادند.^(۱۰) با افزایش کمک های بین المللی، عراق حوزه جنگ را در خلیج فارس و به پایانه های نفتی ایران در خارک گسترش داد.^(۱۱)

هماهنگی را در جهت حمایت از عراق، مسلح کردن کشورهای منطقه و تقویت حضور نظامی خود در آب های اقیانوس هند و خلیج فارس انجام داد. در این راستا، آمریکا نه تنها تجاوز عراق به خاک ایران را محکوم نکرد، بلکه دولت ریگان روابط فیمابین را با عراق تعمیق بخشید و وزارت امور خارجه آن کشور نام عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریسم حذف کرد.^(۱۶) با این اقدام، ممنوعیت صادرات کالاهای آمریکایی به عراق برطرف شد. همزمان با آن، دولت ریگان به فروش سلاح به کشورهای حاشیه خلیج فارس اقدام کرد و به آنها اجازه داد این سلاح ها را در اختیار عراق قرار دهند. این اقدام دولتی، راه را برای دولت ریگان باز کرد تا اجازه صدور ۶ هواپیمای نظامی CBO , Lockheed را به عراق صادر کند.

اگر چه اجازه فروش این هواپیماها به منظور خطوط هواپیمایی کشوری (غیرنظامی) صادر شد، (اما) هواپیماهای مزبور، شکل غیرنظامی هواپیماهای نفربر نظامی C-130 است. در وضعیت مشابهی، چهارماه بعد، وزارت بازرگانی اجازه فروش ۶ فروند هواپیمای جت کوچک به عراق را صادر کرد که ۴ فروند آن واقعاً کاربردهای نظامی داشت. علاوه بر این، آمریکا از سیاست متحدان اروپایی خود از جمله فرانسه و انگلیس در زمینه تأمین تجهیزات نظامی عراق حمایت کرد و کشورهای ثروتمند عرب منطقه را به اعطای وام های کلان به بغداد تشویق نمود.

با پیروزی های بزرگ ایران در اواخر سال ۶۰ و بهار سال ۶۱، آمریکا با موضوع جنگ، حساس تر برخورد کرد و اعلام نمود نگران پیروزی ایران در جنگ با عراق است. وزیر دفاع آمریکا در این رابطه اظهار کرد: کشورش هر زمانی که صلاح بداند، از دوستان عرب خود در این جنگ پشتیبانی خواهد کرد.^(۱۷) در این مقطع، آمریکا کمک نظامی و تسلیحاتی به عراق را در صدر برنامه های خود قرار داد و وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد: کمک به عراق برای واشنگتن در جهان عرب منافع زیادی به همراه

سیاست های ایران بود. برژینسکی صدام را «نیروی متعادل کننده» امام خمینی تلقی می کرد. ملاقات محرمانه صدام و برژینسکی در مرز اردن به منزله «چراغ سبز آمریکا» به عراق برای آغاز جنگ بود و این تلقی را در صدام به وجود آورد که در صورت حمله به ایران مورد حمایت آمریکا قرار خواهد گرفت.^(۱۸)

در مارس ۱۹۸۱، حزب کمونیست عراق توسط صدام سرکوب شد. به دنبال این اقدام، رسانه های اتحاد شوروی پایان جنگ و خروج سربازان عراقی از ایران را خواستار شدند.^(۱۹) در همان ماه، وزیر امور خارجه آمریکا، الکساندر هیک، به کمیته روابط خارجی سنا اعلام کرد امکان بهبود روابط با بغداد را در نظر داشته باشند. به دنبال این اظهارات، وی فروش پنج هواپیمای بوئینگ به عراق و اعزام مشاور وزیر امور خارجه را برای مذاکرات به بغداد تأیید کرد.^(۲۰) آمریکا عراق را از فهرست کشورهای

حامی تروریسم بین الملل برداشت و ۴۰۰ میلیون دلار ضمانتنامه (وثیقه) را برای صادرات به عراق تمدید اعتبار کرد.^(۲۱)

موضع دولت کارتر در خصوص جنگ تحمیلی، اعلام بی طرفی بود، اما بی درنگ، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد: بی طرفی آن کشور دلیل بر بی تفاوتی نیست و ایالات متحده برای تضمین تداوم جریان نفت در مقابل تهدیدهای خارجی، از نیروهای نظامی استفاده خواهد کرد و در صورت درخواست کمک نظامی از سوی کشورهای منطقه به کمک آنها خواهد شتافت. بنابراین ایالات متحده برای رویارویی با هدف های ایران، اقدامات

ریگان پیشاپیش از نحوه
استفاده عراق از سلاح های
شیمیایی مطلع بوده و برای
موفقیت طرح های عملیاتی
عراق، جزییات مربوط به
تجمع نظامیان ایران را در
اختیار عراقی ها قرار داده بود

است. از جمله روزنامه نیویورک تایمز اخیراً اعلام کرده آمریکا در جریان جنگ ایران و عراق، اطلاعات جاسوسی را در اختیار بغداد قرار داده است و منبع خبر را گزارش مأموران پیشین سازمان اطلاعاتی وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده است. این اطلاعات شامل جزئیات اطلاعات جاسوسی مربوط به تغییر و تحولات نظامی و حمله‌های هوایی و نقشه‌های جنگی ایران بوده است.^(۳۳) همچنین مطبوعات آلمان فاش کرده‌اند ریگان پیشاپیش از نحوه استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی مطلع بوده و برای موفقیت طرح‌های عملیاتی عراق، جزئیات مربوط به تجمع نظامیان ایران را در اختیار عراقی‌ها قرار داده بود. علاوه بر این، عراق بخش عمده‌ای از مواد و عوامل شیمیایی و بیولوژیک را در سال‌های جنگ از آمریکا وارد می‌کرد که این موضوع پس از بررسی کارشناسان سازمان ملل و در طی سال‌های اخیر روشن شده است.^(۳۴)

با گذشت زمان و آشکار شدن توانایی‌ها و قابلیت‌های نظامی نیروهای نظامی ایران، ریگان تأکید کرد: پیروزی ایران با منافع آمریکا مغایرت دارد و در همین راستا، اطلاعات نظامی جبهه‌های نبرد را توسط دولت عربستان در اختیار دولت عراق قرار داد. وی هم‌چنین، دولت‌های اروپایی و عرب را تشویق کرد به عراق اسلحه ارسال نمایند. در سال ۱۳۶۲ یک وام ۴۲۵ میلیون دلاری توسط آمریکا در اختیار دولت عراق قرار گرفت. طی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ سیل کمک‌های مالی خارجی به سوی عراق سرازیر شد. عربستان سعودی ۶ میلیارد دلار، اردن ۶۵ میلیون دلار، فرانسه ۶۰۰ میلیون دلار و آمریکا در دو مرحله ۹۵ میلیون دلار در اختیار عراق قرار دادند. در تمام این مدت ایران تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی، سیاسی و تسلیحاتی قرار داشت. آمریکا در همین سال از تمام متحدان اروپایی و غیروپایی خود خواست تا به ایران، سلاح نفروشد؛ و کشورهایی مثل کره شمالی را نیز تحت فشار قرار داد تا از فروش سلاح به ایران خودداری کنند.^(۳۵) با اعلام تحریم فروش سلاح به ایران کشورهایی

خواهد داشت. وی پس از آن با سفر به منطقه خلیج فارس با سران کشورهای عرب مذاکره نمود تا بتواند سلاح‌های بیشتری را به آنها بفروشد و آنها را برای افزایش کمک به عراق، ترغیب نماید.^(۳۸) شرایط ایجاد شده زمینه لازم را برای برقراری روابط دیپلماتیک و رسمی بین دو کشور ایجاد کرد.^(۳۹) وزارت خارجه آمریکا طرحی برای کمک به عراق تهیه کرد که براساس آن، در آذرماه ۱۳۶۱ مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار وام برای خرید برنج و گندم به عراق پرداخت شد و در مرحله بعد، یک میلیارد دلار دیگر نیز با شرایط بازپرداخت بسیار آسان، در اختیار عراق قرار داد.^(۴۰) به طور کل در این دوره، اقدامات آمریکا را برای تحت فشار قرار دادن ایران و کمک به عراق، به چهار بخش می‌توان تقسیم کرد:

۱. تقویت وضعیت اقتصادی عراق؛
 ۲. ایجاد محدودیت در منابع ارزی ایران؛
 ۳. اجرای عملیات استانچ با هدف جلوگیری از فروش سلاح به ایران؛
 ۴. ایجاد محدودیت در استخراج و فروش نفت ایران.^(۴۱)
- دولت آمریکا در اواخر سال ۱۳۶۲، روابط رسمی خود را با عراق به طور کامل برقرار کرد و با تصویب مجلس سنا اعطای کمک‌های ذیل را به عراق در صدر برنامه‌های خود قرار داد:
۱. تخصیص حدود یک میلیارد دلار برای خرید محصولات کشاورزی؛
 ۲. تصمیم بانک صادرات و واردات آمریکا برای ضمانت ۸۵ درصد از ۵/۷ میلیارد دلار مبلغی که برای ساخت خط لوله نفتی عقبه لازم بود؛
 ۳. حمایت آمریکا از قطعنامه‌های شورای امنیت برای محکومیت ایران؛ و
 ۴. حمایت شدید آمریکا از تحریم فروش تسلیحات به ایران.^(۴۲)

در این میان، ارائه کمک‌های اطلاعاتی و دانش مربوط به سلاح‌های شیمیایی از سوی آمریکا به عراق دارای اهمیت خاصی بود که اخیراً توسط برخی از مطبوعات و رسانه‌های آمریکا افشا شده

عراق در زمان جنگ، در مصاحبه ای اعلام کرد: اگر حمایت غرب نبود صدام نمی توانست جنگ علیه ایران را ادامه دهد. وی نقش آمریکا را در کمک به صدام چنین برمی شمرد:

۱. ارائه اطلاعات کامل نظامی که از طریق ماهواره ها و وسایل الکترونیک مختلف و منابع انسانی به دست می آمد؛

۲. تشویق کشورهای منطقه به اعطای کمک مالی بیشتر به عراق؛ و

۳. تحریم جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از دستیابی آن به تسلیحات و تجهیزات مدرن.^(۳۲)

در این خصوص، آژانس امنیت ملی ایالات متحده به طور منظم و مرتب اطلاعات و تصاویر ماهواره ای راجع به آرایش نظامی سربازان ایرانی را در اختیار عراق قرار می داد. در سال ۱۹۸۶ سیایک ارتباط مستقیم بین واشنگتن و بغداد ایجاد نمود تا اطلاعات جاسوسی، سریع تر از ماهواره های آمریکایی به عراق ارسال شود.^(۳۳) این اطلاعات جاسوسی به طور عمده به ارتش عراق کمک کرد تا در مقابل حملات نظامی ایران در ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ ایستادگی و مقاومت کند. در مراحل بعدی جنگ، نیروی دریایی ایالات متحده مستقیماً در خلیج فارس علیه واحدهای وابسته به نیروی دریایی و نظامی ایران وارد جنگ شد. بعلاوه در جولای ۱۹۸۸ (۱۲ تیر ۱۳۶۷)، ناو جنگی وینسنس ایالات متحده در فضای هوایی بین المللی هواپیمای مسافربری ایرباس ایران را هدف قرار داد که بر اثر آن تمام ۲۹۰ سرنشین آن به شهادت رسیدند.^(۳۴) آمریکا هرچند در طول جنگ، به طور غیرمستقیم عراق را در تمامی زمینه ها مورد حمایت سیاسی و نظامی قرار می داد، اما در سال ۱۹۸۸ به صورت مستقیم و آشکارا با ایران وارد نبرد شد. حمله به سکوها ی نفتی، ایجاد مزاحمت برای نفتکش های ایرانی و حمله به هواپیمای مسافربری ایران نمونه بارز آن بود. مداخله مستقیم نظامی ایالات متحده علیه ایران در سال ۱۹۸۸ نشان داد که واشنگتن حاضر نیست پیروزی ایران را در جنگ بپذیرد.^(۳۵)

مثل کره جنوبی تحت فشار قرار گرفتند تا از مبادله کالاهایی که توان جنگی ایران را افزایش می دهد خودداری کنند.^(۳۶) در دسامبر ۱۹۸۲، ناو هواپیمابر آمریکایی، ۶۰ فروند هلی کوپتر را به مقصد عراق حمل کرد. بعلاوه از این تاریخ تا پایان جنگ تحمیلی اداره اطلاعات ارتش آمریکا اطلاعات مربوط به آرایش نیروهای ایران در مرز و نقاط آسیب پذیر ارتش ایران در طول مرزها را در اختیار اداره اطلاعات ارتش عراق قرار می داد. آمریکایی ها همچنین اطلاعات جاسوسی را در اختیار عراقی ها قرار دادند، که البته برخی از آنها نیز گمراه کننده یا ناقص بود.^(۳۷)

همچنین در اکتبر ۱۹۸۳ دولت ریگان به اردن، عربستان سعودی، کویت و مصر اجازه داد تسلیحات نظامی آمریکایی را به عراق ارسال کنند که این امر تخطی از قانون کنترل صادرات اسلحه در سال ۱۹۷۶ بود.^(۳۸) در نوامبر ۱۹۸۳ شورای امنیت ملی ایالات متحده مستقیماً اعلام

داشت: «آمریکا باید هر کاری که قانونی و لازم است انجام دهد تا عراق را از شکست نجات دهد».^(۳۹)

در نوامبر ۱۹۸۳ سیاست اداره امنیت ملی آمریکا بر آن قرار گرفت تا هر آن چه لازم باشد برای جلوگیری از شکست عراق در برابر ایران انجام دهد. همچنین براساس سفارش دولت آمریکا، شعبه بانک ناسیونال ایتالیا در ایالت آتلانتا، ۵ میلیارد دلار وام در اختیار عراق قرار داد تا آن دولت بتواند انواع ابزارهای نظامی را از آمریکا خریداری کند.^(۴۰)

حمایت های اقتصادی آمریکا از عراق از سال ۱۳۶۳ روند صعودی پیدا کرد.^(۴۱) در مورد این حمایت ها و فیک سامرایی، رئیس استخبارات نظامی

براساس پیمان دوستی

بغداد - مسکو که در سال

۱۹۷۲ منعقد گردید، شوروی

متعهد شد سالانه ۱/۵ میلیارد

دلار تجهیزات نظامی به

عراق تحویل دهد

مانده که قرار بود پیش از اعلام تحریم اقتصادی به ایران ارسال شود جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر آمریکا با فشار مستمر بر چین، خواستار پایان بخشیدن به ارسال سلاح از سوی این کشور به ایران شد.^(۳۷)

با بررسی نحوه برخورد آمریکا در جنگ ایران و عراق، به نظر می‌رسد این کشور با چنین عملکردی، به دنبال تحقق اهداف ذیل بوده است:

۱. جلوگیری از پیروزی ایران یا عراق؛
 ۲. جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران به کشورهای همسایه؛
 ۳. جلوگیری از بهره‌برداری احتمالی شوروی از تحولات آینده منطقه؛
 ۴. ایجاد یک جبهه متحد از اعراب در مقابل ایران؛
 ۵. حفظ جریان آزاد نفت خلیج فارس و تسلط بر این منطقه؛
 ۶. کاهش احساسات انقلابی حکومت و مردم ایران؛
 ۷. زمینه‌سازی برای سرکوب ایران به وسیله سازمان ملل؛
 ۸. جلوگیری از گسترش جنگ به کشورهای منطقه؛ و
 ۹. مهار ایران و جلوگیری از ورود تسلیحات استراتژیک و موشک‌های دوربرد به این کشور.^(۳۸)
- در اینجا به برخی از کمک‌های دولت آمریکا به عراق در خلال دوره جنگ تحمیلی، که از سوی رسانه‌های غربی فاش شده، اشاره می‌کنیم. بدون شک سهم دولت آمریکا در مسلح کردن رژیم صدام بیش از این بوده است:



می‌توان گفت از زمان روی کار آمدن دولت ریگان در سال ۱۹۸۱، همه ادعاهای بی‌طرفی آمریکا در قبال جنگ عراق علیه ایران نادیده گرفته شده است. مطابق حقوق بین‌الملل، چنین اقدامات و فعالیت‌هایی نقض آشکار اصول بی‌طرفی است.^(۳۶) در پی ناکامی عراق در دستیابی به اهدافش در جنگ با ایران، این کشور استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در جبهه‌ها تشدید کرد. دولتمردان آمریکا استفاده عراق از گاز خردل را تلاش برای دفع حملات موج انسانی ایران قلمداد می‌کردند. ایالات متحده برای رد گم کردن و نپذیرفتن تبعات منفی استفاده عراق از تسلیحات غیرمتعارف، سعی داشت نشان دهد شوروی تأمین‌کننده اصلی این سلاح‌ها برای عراق است.^(۳۶)

در سال ۱۳۶۶ تصمیمات جدیدی در خصوص تحریم اقتصادی ایران از سوی دولت آمریکا اعلام شد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت هرگونه وادرات نفت خام از جمهوری اسلامی ایران و نیز خودداری از پذیرش هرگونه واردات دیگر از این کشور بود. ریگان همچنین اعلام کرد: ایالات متحده اقدامات مربوط به جلوگیری از رسیدن کالاهای حساس به ایران را تشدید نموده و از صدور اکثر کالاهای باقی

این کشور در سال ۱۹۷۶ پس از ناامیدی از حمایت مسکو در رویارویی با ایران و آمریکا، قراردادی را با فرانسه منعقد کرده بود که به او کمک می کرد تا ساختار ارتش وابسته به شوروی را به تدریج تغییر دهد و تنوع بیشتری در منابع تسلیحاتی خود ایجاد نماید.

به دنبال آن، در اوائل سال ۱۹۷۷ خرید هواپیماهای میراژ و طرح خرید یک نیروگاه هسته ای از فرانسه به بروز مشاجراتی بین بغداد و مسکو منجر شد. از سوی دیگر، روابط نزدیک با اردن، ایجاد روابط حسنه با عربستان سعودی و مهم تر از همه متلاشی کردن حزب کمونیست عراق و اعدام بیش از صد نفر از اعضای آن و محکومیت شدید تجاوز شوروی به افغانستان، همگی گویای تیرگی روابط بین بغداد - مسکو بود. با این حال، این اختلافات به قطع کامل روابط بین دو کشور نیانجامید و هر دو دولت تلاش کردند مناسبات خودشان را حفظ کنند. عراق به سبب وابستگی ساختاری ارتش و نیازمندی به تسلیحات و ادوات نظامی، به قطع کامل روابط با شوروی قادر نبود و مسکو نیز تمایلی به از دست دادن تنها متحد خود در حاشیه خلیج فارس نداشت، مگر اینکه متحدی با موقعیت جغرافیایی بهتر و دربردارنده منافع بیشتر - مثل ایران - جایگزین آن شود.

با حمله عراق به ایران، شوروی فوراً صدور سلاح را به عراق متوقف کرد، چرا که در اینباره مورد مشورت قرار نگرفته بود. وقوع جنگ عراق علیه ایران، سیاست خارجی شوروی را در موقعیت ناخوشایندی قرار داد. مسکو در پشتیبانی از متحد سر به عصیان گذاشته اش دچار تردید گردید. حمایت از عراق می توانست زمینه های هر گونه بهبود مناسبات با بزرگ ترین کشور منطقه را از بین برده، ایران را به جهت نیازمندی های تسلیحاتی و تدارکاتی بار دیگر به آغوش آمریکا بازگرداند. از سوی دیگر، پشتیبانی از انقلابی که منافع شوروی را در منطقه تهدید می کرد، به از دست رفتن تنها متحد مسکو در حاشیه خلیج فارس منجر می شد، بدون

(۱) در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳ دونالد رامسفلد، نماینده ویژه ریگان در بغداد، طی دیدار با صدام به وی اطمینان داد آمریکا سیاست دوستی با عراق را در پیش گرفته و از هر نوع حمایت از آن کشور به خصوص در زمینه تأمین تجهیزات نظامی دریغ نخواهد کرد.^(۳۹)

(۲) در می ۱۹۸۶ اداره صدور جواز صادرات آمریکا اجازه داد تا هفتاد بسته از مواد بیولوژیک نظامی (میکروبی) به عراق صادر شود. تا سال ۱۹۸۹ مجموعاً ۲۱ محموله از گازهای مرگ آور که مهم ترین آنها میکروب سیاه زخم بود، به رژیم صدام تحویل داده شد. همچنین در آوریل و سپتامبر ۱۹۸۸ آمریکایی ها مقدار زیادی گازهای کشنده و میکروبی مانند گاز خردل و میکروب سیاه زخم را به عراق صادر کردند. در همین زمان «ریچارد مورفی» معاون وزارت خارجه آمریکا اظهار داشت: رابطه آمریکا و عراق بسیار مهم است و در زمینه های سیاسی و اقتصادی استمرار خواهد داشت.

(۳) در دسامبر ۱۹۸۸ دولت آمریکا، مواد حشره کش زیادی که می توانست برای ساخت سلاح شیمیایی به کار گرفته شود به ارزش ۷۵ میلیون دلار به عراق فروخت.

(۴) در ژوئیه ۱۹۹۹ هنگامی که کویت به کمک آمریکا و متحدانش از چنگال ارتش صدام آزاد گردید، روزنامه فاینشال تایمز چاپ لندن فاش کرد که شرکت فلوریدا کمیکال در مدت ۸ سال جنگ عراق علیه ایران، گاز سیانور به عراق فروخته است. (۵) در اوت ۲۰۰۲، کلنل والتر لانگ، افسر پیشین اطلاعات ارتش آمریکا، در مصاحبه با نیویورک تایمز اظهار داشت: گازهای سمی که ما به عراق دادیم برای از بین بردن ناامیدی سربازان ارتش صدام و دادن اطمینان به آنها برای پیروزی در مقابل ایران بود.

شوروی

براساس پیمان دوستی بغداد-مسکو که در سال ۱۹۷۲ منعقد گردید، شوروی متعهد بود سالانه ۷۵ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به عراق تحویل دهد.



حملات ایران به داخل خاک عراق، روس‌ها ناگهان تغییر رویه داده، در حمایت علنی از عراق حمله ایران را شدیداً محکوم کردند. به دنبال آن، مسکو برای برقراری توازن در جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران، کمک مالی و تسلیحاتی خود را به عراق افزایش داد و یک کمک ۷۵ میلیارد دلاری در اختیار بغداد قرار داد. در ادامه این کمک‌ها، میگ‌های ۲۳ و ۲۵ و تانک‌های تی ۷۲ و موشک‌های زمین به زمین و زمین به هوا و سیل جنگ‌افزارهای مختلف روسی به عراق سرازیر شد و دو هزار مستشار شوروی برای تقویت روحیه ارتش عراق که بسیار ضعیف شده بود، به فعالیت پرداختند.^(۳۱)

مسکو نگران بود کمک‌های گسترده تسلیحاتی غرب به عراق برای رویارویی با ایران، موجب تغییر ساختار نظامی و سیستم ارتش عراق شده، آهنگ غرب‌گرایی همه جانبه را در آن کشور تشدید کند. علاوه بر این، روس‌ها نگران پیروزی

ایران در جنگ با عراق، تنها متحد خود در حاشیه خلیج فارس بودند.

دستگیری اعضای حزب توده ایران در سال ۱۹۸۳ به اتهام جاسوسی برای شوروی و دستور اخراج هجده نفر از دیپلمات‌های روسی، بر تیرگی روابط ایران و شوروی افزود. شوروی، اعدام اعضای فعال حزب توده در ارتش ایران را شدیداً مورد انتقاد قرار داد و جاسوس بودن آنان را تکذیب کرد. به دنبال تیرگی روابط شوروی و ایران، این کشور روابطش را با عراق تعمیق بخشید. در آغاز سال ۱۹۸۴ موافقتنامه اعطای یک وام بلند مدت ۲ میلیارد دلاری بین دو کشور به امضا رسید و مسکو

اینکه چشم‌انداز روشنی از ظرفیت نفوذ ابرقدرت شرق در ایران وجود داشته باشد.

افزون بر این، از نظر مسکو، پیروزی هر کدام از طرفین در جنگ، نتایج نامطلوبی به بار می‌آورد. پیروزی عراق، نتیجه‌ای جز فروپاشی حکومت و شکست انقلاب ایران در پی نداشت که این امر نیز به تثبیت موقعیت آمریکا در ایران و منطقه منجر می‌گشت. پیروزی ایران نیز انقلاب اسلامی را به چنان نیرویی مبدل می‌ساخت که توازن موجود را در منطقه خاورمیانه بر هم می‌زد و مانعی جدی بر سر راه نفوذ شوروی در منطقه به وجود می‌آمد که با تحریک مسلمانان جمهوری‌های مسلمان‌نشین، امنیت ملی آن کشور را در معرض تهدید قرار می‌داد. بنابراین، سیاست شوروی در برابر جنگ عراق علیه ایران باید مجموعه‌ای از آینده‌نگری‌ها، مصالح و هدف‌های کوتاه و بلند مدت را شامل می‌شد تا می‌توانست حداکثر استفاده و حداقل زیان را برای آن کشور به دنبال داشته باشد.

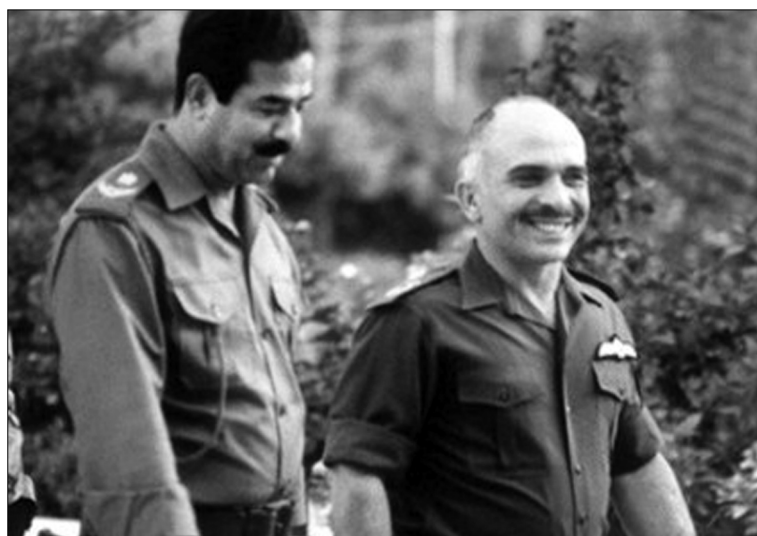
چنین اهداف متناقضی باعث شد کرملین سیاست دوگانه و پرنوسانی را در برابر جنگ ایران و عراق در پیش گیرد. با آغاز جنگ، دولت شوروی موضع بی‌طرفی خود را اعلام کرد و برای حفظ بی‌طرفی خود در جنگ و جلب توجه ایران، فرستادن تسلیحات به عراق را معوق و معطل گذاشت. اما برای جلوگیری از رنجش دولت عراق، متحدان خود را در اروپای شرقی تشویق کرد نیازهای عراق را برطرف سازند. به دنبال این امر، کشورهای بلغارستان، چکسلواکی سابق و لهستان به تأمین‌کننده عمده سلاح برای عراق تبدیل شدند.^(۴۰)

موضع شوروی پس از آغاز جنگ

پس از این که روس‌ها از داشتن روابط مطمئن از سوی ایران ناامید شدند، حمایت تسلیحاتی از عراق را از سرگرفتند، اما در شرایطی که عراق در موضع تهاجمی قرار می‌گرفت، مسکو حمایت تسلیحاتی از بغداد را محدود می‌کرد. در ژوئیه ۱۹۸۲ با آغاز

پس از این که روس‌ها از داشتن روابط مطمئن از سوی ایران ناامید شدند، حمایت تسلیحاتی عراق را از سرگرفتند

مصاحبه ای اظهار داشت: «تا زمانی که ایران معتقد باشد می تواند از طریق نظامی بر عراق چیره شود، مسکو روش خود را تغییر نخواهد داد و هیچگونه تردیدی برای تأمین اسلحه عراق به خود راه نمی دهد.» همچنین مسئول سیاسی امور خاورمیانه در حزب کمونیست شوروی، اظهار داشت: «شوروی ارسال سلاح به عراق را به خاطر بازگرداندن موازنه نظامی و سیاسی میان ایران و عراق از



سرگرفت. ایرانیان امیدهای زیادی به برتری قدرت نیروی انسانی خود دارند و ممکن است این برتری به توازن نظامی اخلاص وارد آورد. از این رو شوروی ارسال سلاح به عراق را آغاز کرده و این کار همچنان ادامه دارد».^(۴۵)

به هر حال در حالیکه شوروی با توسل به انواع ترفندها، در هر دو کشور ایران و عراق نفوذ می کرد، بزرگ ترین فروشنده تسلیحات به عراق محسوب می شد. جالب اینکه وقتی عراق در مرحله اول جنگ در حالت تهاجمی قرار داشت، شوروی کشتی های جنگی اش را از راه عراق برگرداند و تسلیحات را برای عراق مهیا نکرد.^(۴۶) در واقع، این اقدام برای حفظ موازنه نظامی میان ایران و عراق صورت پذیرفت.

به هر حال خاورمیانه از منظر استراتژیک و توازن قوای جهانی برای شوروی بسیار مهم بود. فروش جنگنده بمب افکن های سوخو-۲۴ به عراق، نشان داد که شوروی به سیاست توازن قوا و پی گیری آن در خاورمیانه اهمیت زیادی قائل است.^(۴۷) فروش تسلیحات شوروی بین سال های ۱۹۸۸-۱۹۸۶ به عراق حدود ۹۳ میلیارد دلار بود که شامل ۲۰۰۰ دستگاه تانک شامل ۸۰۰ تانک تی ۷۲، ۳۲۰

میزان خرید نفت خود را از عراق افزایش داد و تعهد نمود در برابر نفت، تجهیزات نظامی در اختیار آن کشور قرار دهد.^(۴۸)

اتحاد جماهیر شوروی بعد از پیروزی ایران در شلمچه (عملیات کربلای پنج)، بیش از پیش بر کمک های تسلیحاتی خود به عراق افزود. واگرایی میان عراق و آمریکا و همچنین سردی روابط اعراب و آمریکا که از ماجرای مک فارلین ناشی می شد، زمینه مناسبی را برای مسکو به وجود آورد تا خود را حامی اصلی عراق نشان دهد و نزدیکی به اعراب را نیز به عنوان یک مسئله مهم در سیاست خارجی منطقه ای اش دنبال کند.

استراتژی شوروی در حمایت از عراق که از سال ۱۳۶۱ هجری شمسی و پس از اقدام ایران در ورود به خاک عراق اتخاذ شد، به نوعی در مقابل اقدامات نظامی ایران بی اثر شده بود؛ لذا دولتمردان مسکو برای جلوگیری از کاهش اعتبار سیاسی و کارآمدی تسلیحات روسی، برای ارسال انواع تسلیحات پیشرفته روسی به عراق مصمم شدند.^(۴۹)

در بهمن ۱۳۶۶/ژانویه ۱۹۸۷ رئیس هیئت شوروی در سازمان ملل اعلام کرد: «کشور شجاعانه عراق را تقویت می کند.»^(۵۰) وی طی

بر ایران و تهدید جریان فروش نفت و محدود ساختن منابع ارزی ایران، فرانسه هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک اگزوست را به عراق فروخت. این روند پس از عملیات بدر با فروش میگ ۲۵ از طرف روس ها ادامه یافت و پس از عملیات کربلای پنج، سلاح های شیمیایی با کیفیت بهتر همچون سیانور به عراق داده شد.^(۴۹)

در حقیقت، تحولات نظامی عراق از توان داخلی آن کشور ناشی نمی شد، بلکه قدرت های بزرگ، اصلی ترین عامل در تجهیز و تقویت عراق بودند. عراق به عنوان یک کشور توسعه نیافته در آغاز

جنگ، فاقد فناوری پیشرفته نظامی بود اما در طول جنگ، از انواع سلاح ها و ادوات نظامی پیشرفته که دارای جدیدترین فناوری ها بودند، بهره مند شد.

این در حالی بود که چند دفتر وزارتی و شرکت های دولتی ایران در کشورهای غربی، به ویژه انگلستان به بهانه خرید سلاح

برای ایران بسته شد. از سوی دیگر، آمریکا ایران را به طور کامل تحریم اقتصادی کرد و حتی دولت سوئد برای جلوگیری از فروش قایق موتوری با ظرفیت پایین، به جمهوری اسلامی فشار زیادی به شرکت های سوئدی و مراکز ایرانی در سوئد وارد آورد.^(۵۰)

کشورهای اروپایی که در آغاز جنگ چنان سکوت کرده بودند که مجله نیویورک تایمز آن را «سکوت پرمعنا ی اروپا» نامیده و درباره آن نوشته بود: «این مسئله عجیب است که چگونه اروپاییان در برابر تهاجم عراق به ایران ساکت نشسته اند و حال آنکه واردات نفت آنان که در امنیت شان بسیار حائز

فروند جنگنده، ۳۰۰ فروند موشک زمین به زمین و موشک های اسکاد B و اس - اس ۱۲ بود که تقریباً تمام این تسلیحات از طریق اردن و بنادر این کشور وارد عراق می شد.^(۴۸)

به این ترتیب، سیاست شوروی از سال ۱۹۸۶ یعنی پس از فتح فاو تا پذیرش قطعنامه، بیانگر عزم این کشور برای تأمین تسلیحات عراق بوده، به میزانی که این کشور شرایط جنگ را در زمین به نفع خود تغییر دهد و ایران را به پذیرش قطعنامه وادار سازد. غرب و کشورهای عرب منطقه نیز در چنین تحلیل هایی با شوروی هم عقیده بودند. از این رو در این دوره شاهد بزرگ ترین خریدهای نظامی یک کشور جهان سومی درگیر در یک مناقشه نظامی هستیم. از طرف دیگر، فروش موشک های دوربرد و همچنین هواپیماهای پیشرفته میگ ۲۹ و ۳۱ به عراق، این امکان را برای بغداد فراهم کرد که جنگ شهرها را با شدت هر چه بیشتر که تا قبل از آن سابقه نداشت، ادامه دهد. این اقدام، فشار فوق العاده زیادی را بر جمهوری اسلامی وارد کرد. اوج جهت گیری سیاست شوروی به نفع عراق، پاسخ مثبت به درخواست کویت مبنی بر نصب پرچم شوروی بر روی نفتکش های این کشور در خلیج فارس بود. شوروی با این اقدام، بهره برداری از ماجرای ایران گیت و نزدیک شدن به اعراب را دنبال می کرد. آنها همچنین در صدد برآمدن ناوگان جنگی خود را در خلیج فارس تجهیز کنند.

ب) قدرت های بزرگ

هم زمان با تحولاتی که با پیروزی های ایران در جبهه های جنگ حاصل شد، نظام جهانی به تجهیز و تقویت توان نظامی عراق مبادرت کرد. به عنوان مثال، پس از آن که آشکار شد عراق توان پیشروی در خاک ایران را ندارد، فرانسه در بهمن ماه ۱۳۵۹ به فروش هواپیماهای میراث به عراق اقدام کرد. هم چنین پس از آن که توان نظامی ایران در طراحی عملیات خیر مشخص شد، سلاح های شیمیایی در حد گسترده به عراق فروخته شد و برای فشار بیشتر

فروش تسلیحات

شوروی بین سال های

۱۹۸۸-۱۹۸۶ به عراق

حدود ۹/۳ میلیارد دلار بود

دریافت داشت. این در حالی بود که آلمان از تحویل سه ناوچه ایرانی خریداری شده پیش از انقلاب خودداری می کرد.^(۵۲)

این کمک های تسلیحاتی به همراه وام های کوتاه مدت و بلند مدت، در طول سال های جنگ تحمیلی به سوی عراق سرازیر شد. در سال ۱۹۸۲ فرانسه بالغ بر ۴۰ میلیارد فرانک سلاح به عراق فروخته بود و این کشور در ردیف دوم فروشندگان تسلیحات به عراق بعد از شوروی قرار داشت. در سال ۱۹۸۳ فرانسه جنگ افزارهایی به ارزش ۵/۶ میلیارد دلار به عراق فروخت و هواپیماهای سوپراتاندارد را به همراه موشک های آگروسه به این کشور تحویل داد. همچنین پاریس در سال های ۸۶ - ۱۹۸۵ حدود ۵ میلیارد دلار وام در اختیار بغداد گذاشت و به این ترتیب به بزرگترین شریک اروپایی عراق تبدیل شد.^(۵۳) همزمان با این اقدامات، پاریس همواره از پرداخت بدهی یک میلیارد دلاری خود به ایران طفره رفت و در تمام سال های جنگ از فروش کالاها و سلاح هایی که توازن جنگ را به نفع ایران تغییر دهد، خودداری ورزید.

با عدم کارایی استراتژی دفاع متحرک در نتیجه شکست فاو و بازپس گیری سریع مهران توسط نیروهای ایرانی، تحلیل گران نظامی شرقی و غربی متقاعد شدند چنانچه عراق شیوه استراتژی خود را از دفاع متحرک به یک موضع آفندی تغییر ندهد امکان شکست های بعدی نیز فراهم خواهد شد؛ در نتیجه آن و احساس خطری که شرق و غرب از امکان پیروزی ایران داشتند فروش همه جانبه تسلیحات از هر نوع آن - غیر از هسته ای - به عراق شروع شد. در این زمینه در کمتر از دو سال، فرانسه به تنهایی ۵/۶ میلیارد دلار از جمله هواپیماهای جنگی، هلیکوپتر، تانک، توپ، موشک های هوا به زمین و تجهیزات الکترونیکی به عراق فروخت. اسپانیا نیز خودروهای سبک و سنگین نظامی به عراق فروخت و برزیل نفربرهای زرهی که با تجهیزات نیروی دریایی ایتالیا و تانک های چیفتن انگلیسی تکمیل می شد در اختیار رژیم بعث قرار داد.^(۵۴)

اهمیت می باشد متکی به امنیت منطقه است.^(۵۱) با وجود این، با آغاز حملات ایران و چرخش نتیجه جنگ به سود نیروهای ایرانی آنها به حمایت گسترده از عراق پرداخته و با ارسال کمک های تسلیحاتی و اقتصادی کوشیدند از شکست عراق جلوگیری کنند. برای رویارویی با این خطر، که ژیسکاردستن، رئیس جمهور فرانسه، آن را نیروی بنیانی می نامید، سیل کمک های نظامی و مالی دولت های اروپایی به سوی عراق سرازیر شد. عراقی ها به زودی تسلیحاتی را از کشورهای عضو پیمان ورشو، چین، مصر، کره شمالی و به ویژه فرانسه دریافت نمودند. در فوریه سال ۱۹۸۱

درست چهارماه پس از آغاز جنگ، سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه اعلام کرد: فرانسه ۶۰ فروند هواپیمای میراژ از نوع اف-۱ را در ادامه اجرای قرارداد سال ۱۹۷۷ به عراق ارسال داشته است. در همین سال صدور مواد غذایی از سوی شرکت های فرانسوی به عراق به

۴/۷ میلیارد دلار بالغ گردید. همزمان با کمک های فرانسه، ایتالیا اجازه فروش ۱۱ فروند کشتی جنگی و یک لنگرگاه شناور نفتی را به ارزش ۷/۸ میلیارد دلار به عراق صادر کرد. انگلستان نیز در طول سال ۸۲ - ۸۱ با انعقاد چند قرارداد عمده، مقدار زیادی سلاح در اختیار عراق قرار داد. در مارس ۱۹۸۲ انگلیس موافقت خود را برای تحویل تانک به عراق به ارزش یک میلیارد دلار اعلام داشت. در کنار آن، لندن مذاکره درباره فروش ۳۰۰ هواپیمای هاوک به عراق را به مبلغ ۲ میلیارد دلار با بغداد از سر گرفت. در همین سال، آلمان غربی نیز سفارشی به مبلغ ۴ میلیارد مارک برای خرید ضد هوایی رونالد از عراق

اوج جهت گیری سیاست
شوروی به نفع عراق، پاسخ
مثبت به درخواست کویت
مبنی بر نصب پرچم شوروی
بر روی نفتکش های این
کشور در خلیج فارس بود

به عربستان سعودی تحویل داد و یک قرارداد ۱۴ میلیارد دلاری برای تحویل تجهیزات نظامی نیروی دریایی با آن کشور منعقد کرد. همچنین با فروش تسلیحات به کویت، عمان و امارات متحده عربی در سال‌های بین ۸۶ - ۱۹۸۲ به سومین صادر کننده سلاح در جهان تبدیل شد.^(۵۸) انگلستان نیز در این سال‌ها قراردادهای فروش هواپیماهای جنگنده، تانک و خودروهای زرهی را با کشورهای حاشیه خلیج فارس امضا کرد و برای حفظ نفوذ سنتی خود در منطقه بیش از پیش کانون فعالیت خود را در عمان متمرکز نمود.^(۵۹) نتیجه اینکه اروپا در طول جنگ ایران و عراق، نه

در سال ۱۹۸۲، فرانسه
بالغ بر ۴۰ میلیارد فرانک
سلاح به عراق فروخته بود
و این کشور در ردیف دوم
فروشنده تسلیحات
به عراق بعد از شوروی
قرار داشت

تنها درآمدهای سرشاری از فروش سلاح و تجهیزات نظامی به عراق (سلاح‌های غیر استراتژیک) و کشورهای منطقه به دست آورد، بلکه توانست در حفظ ثبات و امنیت منطقه با آمریکا سهم گشته، از سلطه مطلق آن کشور بر ابزار استراتژیک نفت جلوگیری کند.^(۶۰)

آلمان و انگلیس نیز مرکز تولید گازهای جنگی و موشک‌های دورپرواز را در نزدیکی سامراء و سلمان پاک ایجاد کردند. کنت تیمرمن در کتاب سوداگری مرگ می‌نویسد: «انگلیسی‌ها با استراق سمع در دفتر خرید تسلیحات ایران در لندن اطلاعات دریافتی را در اختیار عراق قرار می‌دادند».^(۶۱) با توجه به چنین حجم تسلیحاتی که به عراق داده شد، ماشین جنگی این کشور در مدت کمتر از دو سال دو برابر شد و عراق توانست میزان نیروی زمینی خود را از ۲۶ لشکر به ۴۵ لشکر در ۱۹۸۸ افزایش دهد.^(۶۲) بر طبق گزارش عراق به سازمان ملل متحد، مواد

طی دوره جنگ تحمیلی، نیروی هوایی عراق توسط متخصصان فرانسوی تجدید سازمان شد و از اوایل سال ۱۹۸۰ حدود ۶۰ فروند هواپیمای میراژ ۱۰۰ تحویل بغداد گردید و مذاکراتی برای خرید هواپیمای میراژ ۲۰۰۰، هلی کوپتر، موشک و تجهیزات دریایی نیز صورت گرفت. همچنین این کشور با ارسال جنگنده‌های سوپراتاندارد و موشک‌های آگوزوست در نوامبر ۱۹۸۳ به جاه طلبی‌های صدام کمک شایانی نمود. این اقدام به او اجازه داد تا به کشتی‌های ایرانی در خلیج فارس و جزیره خارک حمله کند.^(۵۵) فرانسه همچنین در ساختن مرکز تولید سلاح هسته‌ای در نزدیکی بغداد به رژیم صدام کمک کرد؛ براساس گزارش‌های موجود، فرانسه بالغ بر ۹ میلیارد دلار تسلیحات کیفی در اختیار عراق قرار داد.^(۵۶) کمک‌های خارجی فرانسه به عراق به جایی رسید که فرستاده حکومت فرانسه در زمان ریاست جمهوری «والری ژیسکاردستن» به عراق آمد و با وزیر دفاع وقت «عدنان خیرا...» ملاقات نمود و به او اطلاع داد که «فرانسه به طور جدی زمینه‌های اعطای یک بمب اتمی به عراق را بررسی می‌نماید. می‌توان برای مجبور کردن ایران به متوقف کردن جنگ این بمب را به هدف مشخصی پرتاب نمود».^(۵۷)

علاوه بر فرانسه، کشورهای دیگر اروپایی نیز معاملات زیادی در زمینه‌های نظامی، مالی و اقتصادی با عراق انجام دادند تا جایی که عراق در طول جنگ به یکی از بزرگ‌ترین مشتریان غرب تبدیل شد و دولت‌هایی مثل انگلستان، اتریش و تا اندازه‌ای آلمان توانستند نفوذ اقتصادی زیادی در عراق به دست آورند. جنگ عراق علیه ایران فرصت مناسبی را در اختیار کشورهای اروپایی گذاشت تا با فروش تسلیحات بسیار پیشرفته به دولت‌های حاشیه خلیج فارس که از گسترش جنگ در هراس بودند، علاوه بر به دست آوردن درآمد سرشار و بهبود اقتصاد داخلی، موقعیت خود را در منطقه تثبیت کنند. به دنبال آغاز جنگ در سال ۱۹۸۰، پاریس ۴ رزمناو ۲۰۰۰ تنی و ۲۴ هلی کوپتر جنگنده را

۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار به صورت قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند. بعدها، پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام های عراقی مبنی بر «جنگ با ایران به تنهایی»، ابوغزاله، معاون اسبق رئیس جمهور و وزیر دفاع مصر، ادعای عراق را به عنوان یک دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت: «تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند». فهد پادشاه عربستان نیز در سخنانی اظهار کرده بود، «اگر عراق می گوید افراش را فدا کرده است، ما نیز با پول، سلاح های پیشرفته و همکاری بین المللی در این فداکاری (!) سهمیم بوده ایم».^(۶۴)

هم زمان، «شیخ الصباح» سفیر کویت در آمریکا نیز در پاسخ به اظهارات عراقی ها اعلام نمود: «کویت ۱۴ میلیارد دلار کمک نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت کرده است؛ کویت در زمان جنگ بیش از نیاز نفت صادر می کرد تا به صدام در جنگ کمک کند». بعدها کویتی ها اذعان داشتند، افزون بر کمک های مالی، پایگاه نیروی هوایی در اختیار عراق قرار دادند که همین امر به عراقی ها برای حمله به جزیره خارک، پایانه های نفتی ایران و نفت کش ها کمک شایانی کرده بود.^(۶۵)

کویت در اواخر سال ۱۹۸۱ یک کمک مالی ۷ میلیارد دلاری در اختیار عراق قرار دارد. به دنبال آن، عربستان سعودی ۳ میلیارد دلار، امارات عربی ۱ میلیارد دلار و قطر ۵۰۰ میلیون دلار به عراق کمک کردند. بغداد به کمک این دلارها یک قرارداد تسلیحاتی با فرانسه به مبلغ ۷۵ میلیارد دلار، قراردادی برای تحویل تانک با انگلستان به ارزش یک میلیارد دلار و قراردادی با لهستان برای تحویل تانک های روسی منعقد ساخت.^(۶۶)

نگاهی به وام ها و کمک های اقتصادی دولت کویت به عراق در طی سال های جنگ نشان می دهد که کویت یکی از عمده ترین وام دهندگان به عراق بوده است. کارشناسان، هزینه جنگی عراق را ماهانه بین ۶۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار برآورد می کردند؛

لازم برای تولید سلاح های شیمیایی از شرکت هایی از آمریکا، آلمان غربی، انگلستان، فرانسه و جمهوری خلق چین تهیه شد بود. در دسامبر ۲۰۰۲ در گزارشی ۱۲۰۰ صفحه ای، نام شرکت های شرقی و غربی و از جمله اشخاصی که در مجموع ۱۷۶۰۲ تن مواد شیمیایی را در طول دو دهه در اختیار عراق گذاشته بودند، فاش شد. سنگاپور با ۴۵۱۵ تن، هلند با ۴۲۶۱ تن، مصر با ۲۴۰۰ تن، هندوستان با ۲۳۴۳ تن و آلمان فدرال با ۱۲۰۷ بیشترین ذخیره مواد خام را برای تولید سلاح های شیمیایی در اختیار عراق قرار داده بودند. شرکت هندی، اگزومت پلاستیک که اکنون بخشی از EPC می باشد ۲۲۹۲ تن از مواد پیش نیاز را به عراق صادر کرد. شرکت الخلیج شیمی که در سنگاپور قرار دارد و متعلق به سرمایه داران اماراتی می باشد، بیشتر از ۴۵۰۰ تن پیش نیازهای گازهای VX، سارین و خردل به همراه وسایل تولید آن را به عراق فرستاد. صدام در دادگاه دسامبر ۲۰۰۶ اظهار داشت: «با افتخار!! مسئولیت هرگونه حمله با سلاح های متعارف یا شیمیایی را بر ضد ایران به عهده می گیرد».^(۶۷)

ج) کشورهای منطقه و سایرین

این واقعیت که کمک های تسلیحاتی و اطلاعاتی کشورهای عربی به عراق در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران اگر از کمک های نظامی کشورهای غربی و اروپایی بیشتر نبوده کمتر هم نبوده است، بر هیچ کس پوشیده نیست. بی شک بررسی میزان این کمک ها و پرداختن به امار و ارقام موجود در این زمینه از واقعیت های تلخی پرده بر می دارد که گذشته از هر چیز میزان اعمال نفوذ و فشار آمریکا و سایر قدرت های بزرگ بر کشورهای عربی را عیان می کند.

کشورهای عربی به ویژه کویت و عربستان با ارسال کمک های مالی و نظامی به عراق بخشی از هزینه های این کشور را در دوران جنگ تحمیلی علیه ایران متقبل شدند. برابر گزارش محرمانه ای که در آن زمان منتشر شد، دو کشور یاد شده در مجموع

و با کمک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی فراوان‌اش از جمله اعطای وام‌های چند میلیون دلاری به عراق، حمایت و پشتیبانی‌اش را از این کشور اعلام کرد.^(۶۸)

در طول جنگ هشت ساله، واردات کالا و سلاح به عراق از طریق اردن صورت می‌گرفت. در این چارچوب شبکه حمل و نقل وسیعی بین دو کشور ایجاد شد و بندر عقبه این کشور برای حمل و نقل سلاح و تجهیزات نظامی سبک و سنگین در اختیار عراق قرار گرفت. ملک حسین که نظامیان اردن را برای سرکوب رزمندگان ایران به عراق گسیل داشته

بود، در نطقی اظهار داشت: «اگر ضرورت ایجاد کند نیروهای بیشتری را به عراق اعزام خواهیم کرد».^(۶۹)

توجه به بخشی از اظهارات ملک حسین در جریان برگزاری جلسه عادی کابینه اردن در تاریخ ۱۳۵۹/۷۲ موضع آن کشور را در قبال جنگ ایران و عراق، نشان می‌دهد:

«وظیفه اعراب است که

برای وحدت خود و جلوگیری از سرایت خطرات، هر کجا که باشد همکاری کنند، ما وظیفه داریم جهان اسلام را آرام و قرین همبستگی داشته باشیم؛ ما به عنوان کشوری عربی نباید اجازه دهیم هیچ‌گونه تجاوزی از هر مصدر که باشد به هیچ جزئی از خاک عراق صورت بگیرد».^(۷۰)

همچنین تعدادی از کشورهای منطقه نیز در جنگ حضور مستقیم داشتند و با اعزام نیرو به عراق، رژیم بعث را در مقابل ایران حمایت می‌کردند. در این راستا، با گذشت بیش از یک دهه از پایان جنگ حسنی، مبارک، رئیس‌جمهور مصر، اعتراف کرد: «۱۸ هزار سرباز مصری در کنار بعثی‌ها در مقابل

در حالی که ارزش حاصل از صدور روزانه ۱۷۸۹۳ میلیون بشکه نفت به قیمت متوسط ۱۲ دلار برای هر بشکه در سال‌های پایانی جنگ، رقمی در حدود ۶۸۱ میلیون دلار در ماه بود و این حتی تکافوی هزینه جنگی عراق را نمی‌کرد. از این جهت نقش حمایت کشورهای عربی به ویژه کویت و عربستان در جنگ تحمیلی از عراق به خوبی آشکار می‌شود. در ذیل به برخی از کمک‌های کویت و عربستان به عراق در طول جنگ تحمیلی اشاره می‌شود:

۱. در اوایل سال ۱۳۶۰ مطبوعات کویت گزارش دادند کویت و عربستان قرار است یک وام شش میلیارد دلاری در اختیار دولت عراق قرار دهند. سهم کویت از این مبلغ، دو میلیارد و سهم عربستان چهار میلیارد دلار تعیین شده بود.

۲. هفت ماه پس از اعطای وام نخست کویت به عراق، در تاریخ ۱۳۶۰/۸/۱۹ گزارشی مبنی بر واگذاری یک اعتبار ۴/۷ میلیارد دلاری از سوی کویت به دولت عراق منتشر شد.

۳. در تاریخ ۱۳۶۵/۱/۹ نیز واحد مرکزی خبر در تهران گزارش داد دولت کویت در ادامه حمایت مالی‌اش از عراق، وامی به مبلغ هشت میلیون و ۹۰۰ هزار دینار کویتی به عراق پرداخت خواهد کرد.

۴. از سال ۱۹۸۲ کویت و عربستان توافق کردند عایدات صدور نفت از منطقه بی‌طرف (روزانه ۳۰۰ الی ۳۵۰ هزار بشکه) به حساب عراق واریز شود. این توافقنامه تا سال ۱۹۸۶ اعتبار داشت و عراق در صدد تمدید آن برای یک سال دیگر بود.^(۷۱)

در طول جنگ تحمیلی، اردن نیز که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابطه حسنه‌ای با ایران نداشت، روابط بسیار نزدیکی با عراق برقرار کرده بود. پس از کنفرانس سران کشورهای عربی در بغداد و تونس، روابط بین عراق و اردن روز به روز نزدیک‌تر و عمیق‌تر شد؛ تا آنجا که ملک حسین صراحتاً به نفع عراق و علیه ایران موضع‌گیری کرده

پاریس در سال‌های

۸۶ - ۱۹۸۵ حدود ۵ میلیارد

دلار وام در اختیار بغداد

گذاشت و به این ترتیب به

بزرگترین شریک اروپایی

عراق تبدیل شد

سیاست هایش در قبال رژیم صهیونیستی بودند، نفرت داشت. سومین دلیل نیز عدم تمایل شیخ نشین های ثروتمند حوزه خلیج فارس به ایفای چنین نقشی توسط مصر بود.^(۷۶) این دلایل باعث شد تا مصر در این دوران تنها به فروش تسلیحات به عراق اکتفا کند. اما با ترور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ و چند ماه بعد از فتح خرمشهر و پیروزی هایی که نیروهای ایرانی در جبهه های جنگ به دست آوردند، شرایط برای مداخله گسترده مصر در دوران حکومت حسنی مبارک فراهم شد. عراق در سال ۱۹۸۲ با اعزام یک هیئت نظامی به قاهره خواستار افزایش سطح همکاری نظامی مصر شد. مصر در واکنش به تقاضای عراق و شرایط به وجود آمده با احتیاط عمل کرد. مصری ها ضمن اینکه پذیرفتند سطح کمک و همکاری های نظامی خود را با عراق افزایش دهند، اما از پذیرش همکاری فراتر از چارچوب های تعریف شده که به منزله مداخله مستقیم در جنگ بود، خودداری کردند.^(۷۷)

یکی از حوزه های همکاری مصر و عراق در طول جنگ، همکاری در پروژه های موشکی بود. مصری ها در سه پروژه موشکی عراق به نام های العباس، الحسین و بدر ۲۰۰۰ همکاری کردند. البته تمرکز این همکاری ها روی پروژه بدر ۲۰۰۰ بوده است. هدف از این پروژه، تولید موشک های بالستیک با برد ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر بود. یکی دیگر از حوزه های همکاری مصر و عراق، در زمینه تسلیحات شیمیایی بود. روزنامه ژورنالم پست در سال ۱۹۸۹ به نقل از منابع قابل اعتماد نوشت: «مصری ها سال ها با عراق در زمینه تولید و ذخیره سازی تسلیحات شیمیایی همکاری کرده اند».^(۷۸) روزنامه نیویورک تایمز نیز با درج گزارشی در این زمینه نوشت: «مصر در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق در کنار تسلیحات متعارف در زمینه تسلیحات شیمیایی نیز با عراق همکاری کرده است».^(۷۹)

در طول جنگ تحمیلی، مصر می کوشید تا نقش یک موازنه گر را ایفا کند؛ نقشی که بر مبنای آن،

ایران می جنگیدند.^(۸۰) مصر همچنین قطعات یدکی و تسلیحات دیگری هم چون ۲۵۰ فروند تانک «تی ۵۵» و «تی یو ۱۶» و هواپیماهای بمب افکن ایلوشین ۲۸ را در اختیار عراق قرار داد. در طول جنگ، عراقی ها در حدود ۲ میلیارد دلار سلاح از مصر خریداری کردند.^(۸۱)

در آستانه جنگ، مصر با ایران و عراق رابطه دیپلماتیک نداشت. هم عراق و هم ایران، انور سادات، رئیس جمهور مصر، را به دلیل سفر به اسرائیل در ۱۹۷۷ و امضای قرارداد کمپ دیوید در ۱۹۷۸ و پیمان صلح در ۱۹۷۹ خائن به آرمان های اعراب و اسلام می دانستند. با وجود این با آغاز جنگ، معامله اقتصادی و نظامی بزرگی بین عراق و مصر صورت گرفت. این معامله شامل تحویل سلاح های سنگین و هلیکوپتر به عراق از طریق مصر و پرداخت نقدی آن توسط عراق بود.^(۸۲) با حمله عراق به ایران، سادات با وجود

اختلافاتش با رهبران عراق از این کشور حمایت کرد و به این کشور تسلیحات فروخت.^(۸۳) تحلیلگران سیاسی این اقدام را نشانه نفرت بیش از اندازه سادات از انقلاب اسلامی ایران قلمداد می کنند.^(۸۴) از آغاز جنگ تا آزادسازی خرمشهر در ۳ خرداد ۱۳۶۱ به دست رزمندگان ایران، شرایطی که مستلزم ایفای نقش فعال مصر در جنگ باشد، وجود نداشت. این امر سه دلیل عمده داشت: نخستین و مهم ترین دلیل، موضع برتر نیروهای عراقی در جبهه های جنگ بود. دومین دلیل، عدم تمایل سادات به ایفای چنین نقشی بود؛ زیرا او به طور یکسان از رهبران دو کشور درگیر در جنگ که مخالف سرسخت

مصری ها در سه پروژه
موشکی عراق به نام های
العباس، الحسین و
بدر ۲۰۰۰ همکاری کردند

مشارکت مستقیم کشورهای عربی در جنگ تحمیلی، یمن تیپ پیاده «العروبه» را در طول جنگ با ایران به عراق فرستاده بود. اردن نیروی «الیرموک» را به عراق گسیل داشت و سودان داوطلبانی را اعزام نمود که در منطقه شرق میسان، در خط مقدم جبهه فعالیت می کردند.^(۸۲) از سوی دیگر، کلیه کشورها به جز کره شمالی و گاهی چین و برخی کشورهای عربی درهای خود را بر روی ایران بسته بودند.

در سال های پایانی جنگ عراق علیه ایران، بین المللی شدن جنگ در حوزه سیاسی موجب تغییر موضع در میان معبود کشورهای طرفدار ایران در منطقه شد. متحدان عرب عراق تلاش گسترده ای را برای جدا کردن متحدان منطقه ای ایران آغاز نمودند. در نتیجه این تلاش ها، لیبی مجدداً روابط دیپلماتیک خود را با عراق از سرگرفت و حتی مقابل ایران موضع گرفت. سوریه نیز با وجود تداوم حمایت خود از جمهوری اسلامی ایران، اعلام نمود نمی تواند تصرف بصره را قبول کند و در صورت تعرض ایران علیه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، در کنار اعراب قرار خواهد گرفت.^(۸۳)

نتیجه گیری

بدون تردید جنگ فرسایشی و طولانی عراق علیه ایران جنگ نیابتی بود و به همین دلیل عراق نمایندگی مقابله با انقلاب اسلامی را در یک جنگ تحمیلی بر عهده داشت و لذا از یک حمایت تضمین شده، همه جانبه و گسترده برخوردار بود. در آغاز جنگ، به علت وجود شکاف در ساختار نظام بین الملل، هیچ یک از قدرت های بزرگ آمریکا، شوروی [سابق] و اروپای غربی به تنهایی توان تأثیرگذاری بر فرآیند این جنگ را نداشتند. در طول سال هایی که جنگ ادامه داشت، دولت های بزرگ تلاش کردند ظرفیت نفوذ خود را بر ایران و عراق فزونی بخشند و از تغییر وضع موجود جلوگیری کنند. تلاش برای حفظ وضع موجود به مداخله ابرقدرت ها در جنگ، تحت پوشش بی طرفی منجر گردید.

همکاری نظامی با عراق از حدود قدرت ایستادگی این کشور در برابر ایران فراتر نمی رفت. مبارک در مصاحبه اش با مجله لبنانی السفیر با تأکید بر سیاست موازنه، درباره نقش مصر در جنگ عراق و ایران ادعا کرد: «مصر هیچ گاه از جنگ میان عراق و ایران که هر دو جزو کشورهای اسلامی هستند و میان آنها رابطه دوستی برقرار بوده، حمایت نکرده است. من امیدوارم که ما نقش میانجی را میان ایران و عراق ایفا کنیم. من علت آنچه که باعث شده ایران موضع تندی در برابر ما اتخاذ کند را نمی دانم. اگر چه ما به عراق آن قدر کمک نمی کنیم که عملیات های نظامی تهاجمی [این کشور] را علیه ایران ممکن سازد. ما از مذاکرات و میانجیگری برای حل مسائل حمایت می کنیم. ما هرگز به عراق سلاح تهاجمی که با آن به ایران ضربه بزنند ارائه نکرده ایم. این هرگز اتفاق نیفتاده است. ما آن گونه که برخی تصور می کنند هیچ نیروی نظامی در عراق نداریم. ما در جنگ تخصص داریم. ما در جنگ نمی توانیم یک نیروی ناکامل اعزام کنیم. اگر ما می خواستیم که به عراق نیرو بفرستیم می بایست یک نیروی کامل می فرستادیم».^(۸۰)

با توجه به اینکه در طول جنگ تحمیلی، سوریه و لیبی طرفدار و حامی ایران بودند، مصر نیز از اینکه برای ایجاد موازنه در طرفداری از عراق ایفای نقش کند، ابایی نداشت. در واقع همچنان که سوریه و لیبی خود را موظف به تأمین تسلیحات مورد نیاز ایران می دانستند، مصر نیز تدارک تسلیحات، مشاوره نظامی و همکاری در پروژه های نظامی عراق را وظیفه خود می دانست. حمایت تمامی کشورهای عربی به جز سوریه از رژیم بعث عراق و حمایت مالی و تسلیحاتی بسیاری از کشورهای جهان از این رژیم، تفاوت نابرابری قدرت نظامی میان دو کشور را به خوبی نمایان می کند.^(۸۱)

کمک هایی که عراق در طول جنگ با ایران دریافت نمود به موارد مشخصی محدود نمی شد، بلکه این کمک ها همه زمینه های اقتصادی، نظامی و سیاسی را در بر می گرفت. به عنوان مثال، در زمینه

یادداشت ها

1. Ervand Abrahamian, **A History of Modern Iran**, Cambridge University Press, 2008, p150.
2. Samir al-Khalil, **Republic of Fear: The Politics of Modern Iraq**, University of California Press, 1989. P261.
3. Martin J. Martinson, "The Iran-Iraq War: Struggle Without End," **Research Paper, Marine Corps Command and Staff College**. Quantico, Virginia, 1984. p5.
۴. غلامرضا ثانی نژاد، ریشه یابی تهاجم عراق به ایران، برگرفته از: <http://www.dsirc.ir/view/articleframe.aspx?ID=227&PF=true8>. Ibid, p24.
۵. همان.
۶. محمود یزدان فام، «عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق»، فصلنامه نگین ایران، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۵.
7. Mazi bahadori, "**The history and geopolitics of the Iran-Iraq war**", Department of History University of colifornia, May 2005, p. 23
8. Ibid, p24.
9. **Security Council official Records** United Nations publishing office 1980 -1992, p 55.
10. Bahadori, **op.cit**, p. 25
11. Moez Faraji, **Captivity and Prisoners of War in the Battle of Truth Against Falsehood**, Tehran: ministry of Islamic Guidance, 1984, p75.
۱۲. محمد درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق (آغاز تا پایان)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، صص ۴-۲۳.
13. Anthony H. Cordesman, **The Gulf and the Search for Strategic Stability**, Boulder: Westview, 1984, p. 717.
14. Robert O. Freedman, "Soviet Policy toward the Persian Gulf from the Outbreak of the Iran-Iraq War to the Death of Konstantin Chernenko", in **U.S. Strategic Interests in the Gulf Region**, ed. Wm. J. Olson, Boulder: Westview, 1987, p. 55.
15. Joe Stork and Martha Wenger. "U.S. Ready to Intervene in the Gulf War", **MERIP Reports**, nos. 125/126, July-Sept 1984. p45.

ناتوانی آمریکا، شوروی و کشورهای غربی در افزایش نفوذ خود بر ایران و همچنین منافع متقابل قدرت های بزرگ در جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ، به حمایت گسترده بازیگران اصلی نظام بین الملل از عراق انجامید. پشتیبانی همه جانبه قدرت های بزرگ از عراق موجب برقراری توازن در جنگ و تداوم آن به مدت هشت سال گردید.

سیاست خارجی مستقل ایران و عدم همکاری آن با نهادهای بین المللی و قدرت های بزرگ، ویژگی خاصی به جنگ ایران و عراق بخشید. ناتوانی سازمان ملل به عنوان نماد وجدان بشری در حل و فصل این جنگ، نشانگر جنبه هایی از دوره جنگ سرد بود، اما صدور قطعنامه های مختلف به اتفاق آراء، نوعی توافق بین قدرت های بزرگ را نشان می داد. این تعارض، ناشی از حساسیت منطقه خلیج فارس و وجود منافع حیاتی دولت های خارجی در این منطقه بود. در طول مدت جنگ، آمریکایی ها در فکر تجدید موقعیت گذشته خود در منطقه بودند. اروپا از قطع صدور نفت و نیز سلطه انحصاری ایالات متحده بر منابع نفتی نگران بود. روس ها نیز نگران از دست دادن تنها متحد خود در ساحل خلیج فارس و نادیده گرفته شدن نقش شان در منطقه بودند.

سیاست اصلی قدرت های بزرگ در طول جنگ تحمیلی، حفظ توازن قوا در منطقه و استفاده از فرصت های به دست آمده در گسترش حوزه نفوذ بود. این رویکرد، از طرفی همکاری قدرت های بزرگ برای برقراری توازن در جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران بر عراق را در برداشت و از طرف دیگر به رقابت پنهان این قدرت ها در جهت کسب موقعیت بهتر انجامید که تداوم جنگ را در پی داشت. بدون تردید اگر تنها بخشی از حمیت و عصبیت عربی کشورهای عربی در حمایت همه جانبه از عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران، متوجه مبارزه با رژیم صهیونیستی می شد، شاید تاکنون این رژیم از نقشه خاورمیانه و جهان محو و فقط نامی از آن در تاریخ برای عبرت آیندگان به یادگار مانده بود!

نمی دهند. اگر ایران قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را می پذیرفت فاجعه هواپیمایی پرواز ۶۵۵ اتفاق نمی افتاد». دو هفته بعد از حمله ناجوانمردانه آمریکا به پرواز ۶۵۵، ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت.

35. Enayatollah Yazdani and Rizwan Hussain, "United States' policy towards Iran after the Islamic Revolution: An Iranian Perspective", **International Studies**, 2006, P 273.

۳۶. آنتونی فرانسیس بویل، «سیاست خارجی آمریکا در قبال جنگ ایران و عراق»، مترجم: دکتر حسین شریفی طرازکوهی، **مجله سیاست دفاعی**، شماره ۱۶-۱۵ تابستان و پاییز ۷۵، ص ۴۸.

۳۷. بوستون گلوب، ۶۲/۱۲/۱۶.

۳۸. آمریکا و جنگ ایران و عراق به روایت مطبوعات خارجی: اتخاذ سیاست های خصمانه علیه ایران، بی نا، بی تا، ص ۱۱۰.

۳۹. علی اکبر علیخانی، «موانع و عملکرد نظام بین المللی در قبال جنگ علیه ایران»، **مجموعه مقالات انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین الملل**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۱.

40. John King. "Arming Iraq: A Chronology of U.S. Involvement". March 2003. available at: http://www.iranchamber.com/history/articles/arming_iraq.php

41. Renfrew. **Op.cit**, p110.

42. David Evans and Richard Campany. "Iran-Iraq: Bloody Tomorrows". **U.S. Naval Institute Proceedings**. January 1985. p40.

43. John W. Amos II, "The Iraq-Iran War: Conflict, Linkage, and Spillover in the Middle East," in **Gulf Security into the 1980s: Perceptual and Strategic Dimensions**. ed. Robert G. Darius, John W. Amos II, Ralph H. Magnus, Stanford: Hoover Institution Press, 1984. p. 65.

۴۴. یکتا، پیشین، ص ۱۶۵.

۴۵. حسین اردستانی، **جنگ عراق و ایران: رویارویی استراتژی ها**، تهران: دوره عالی جنگ، ۱۳۸۷، ص ۸۵.

۴۶. رالف کینگ، **جنگ ایران و عراق: مفاهیم سیاسی، نشریه آدلفی پیپر**، ترجمه: گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، شماره ۲۱۹، سال ۱۹۸۷، ۶۶/۴/۲۹، ص ۶۵.

۴۷. محمد درودیان، **نبرد در شرق بصره**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۷۴، صص ۱۸۵-۱۸۲.

48. John.W.AmosII, "The Iraq-Iran war. Conflict, Linkage

16. War in the Persian Gulf. The U.S Takes sides-Staff report to the committee on Foreign Relations, **U.S Senate**. Nov, 1987. Committee Print S.prt.100-60. pp 21-22.

۱۷. علی اکبر ولایتی، **تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲.

۱۸. درودیان، پیشین، ص ۵۶.

۱۹. همان، ص ۶۱.

۲۰. همان، ص ۷۵.

۲۱. همان، ص ۹۱-۹۰.

۲۲. همان، ص ۹۲-۹۱.

۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷/۵/۸۱.

۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷/۵/۸۱.

۲۵. حسین یکتا، «مواضع قدرت های بزرگ و جنگ ایران و عراق»، **مجموعه مقالات جنگ تحمیلی**، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۳، ص ۱۶۲.

۲۶. همان، ص ۱۶۵.

27. Stephen Engelberg, "Iran and Iraq Got Doctored Data.U.S Officials Say", **New York Times**, 12 Jun 1987, pp: A1, A6.

28. Track Adam, **The superpowers in the Iran Iraq war**, New York: Nova Science Publishing, Inc, 1998, p128.

29. Ronald Reagan, **State Department Bultan**, Washington: Department of State, 1983. P 120.

30. Nita M.Renfrew, "Who Standard the war?", **Foreign Policy**, no,66.spring1987, PP 98-108.

۳۱. **العالم**، ۶۳/۴/۲۳ شماره سند ۱۷۳۷.

۳۲. **روزنامه اطلاعات**، ۷۶/۸/۵، ص ۱۲.

33. Bob Woodward, Veil: **The Secret wars of the CIA**, 1981-1987. New York: Simon&Schuster, 1987. p480.

۳۴. در ۳ جولای ۱۹۸۸ پرواز ۶۵۵ بندرعباس به دوی که حامل ۲۹۹ سرنشین بود بعد از ۷ دقیقه از پرواز، با ۲ موشکی که از ناو وینسنس آمریکایی شلیک شد سقوط کرد و همه سرنشینان آن کشته شدند. حمله به ایرباس مسافربری حکم تیر خلاصی بود که بر پیکره تصمیم بر تداوم جنگ وارد شد. در این مورد ریگان در بولتن سیاست خارجی نوشت: «مسئولیت این فاجعه تراژیک و نیز صدها هزار قربانی این جنگ بر دوش آنهاست که بر پایان بخشیدن به جنگ رضایت

۶۷. درودیان، آغاز تا پایان، صص ۳۱، ۳۲.
۶۸. همان، صص ۳۵-۳۶.
۶۹. سواء فیلی رودباری، کتاب سبز کویت، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.
۷۰. همان، ص ۱۶۵.
۷۱. همان، ص ۱۶۶.
۷۲. سایت اینترنتی خبرگزاری دانشجویان ایران (تاریخ: ۱۳۸۲/۰۶/۲۴، ساعت: ۴:۱۰:۴۱).
۷۳. همان.
74. Evans and Company. **Op.cit.** p 37.
۷۵. العالم، ۶۴/۲/۱۴.
۷۶. به نظر می‌رسد مواضع و نقش مصر در جنگ تحمیلی در چارچوب ملاحظات این کشور در دفع تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از جنگ در سه سطح ملی، عربی و منطقه‌ای قابل ارزیابی است. از جمله این ملاحظات می‌توان به تسریع فرآیند تجدید رابطه با جهان عرب که به واسطه سیاست‌های سازش کارانه سادات در قبال رژیم صهیونیستی آسیب دیده بود، احساس خطر از گسترش دامنه مبارزات و فعالیت‌های بنیادگرایان اسلامی که ایران انقلابی حمایت از آن را جزء اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده بود و دستیابی به منافع اقتصادی اشاره کرد. جهت کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص رک به:
- Jane's Defence Weekly, 28 February, 1996, pp 22-24.
77. Ibid, p 26.
78. Philip H. Stoddard, "Egypt and Iran-Iraq War, "in **Persian Gulf Security And The Iran-Iraq War** , Edited by Thomas Naff , National Defense University Press, 1985.p44.
۷۹. حسینی، پیشین، صص ۶۴-۶۳.
80. Gordon M. Burch & Charles C. Flouerrece, **International Handbook on Chemical Weapons Proliferation**, New York: Greenwood, 1991.P229.
81. Ibid, p235.
۸۲. وفیق السامرای، همان، ص ۱۳۹.
۸۳. همان، صص ۳-۱۴۱.
- and spill over in the Middle East", in Robert G.Darius.John W.Amosll.Ralph.Magnus, (ed), **Gulf Security in to the 1980s: perceptual and strategic Dimensions**. Stanford: Hower Institute Press, 1984.P65.
49. Stephen Engelbarga and Barnand E. Trainor, "Soviets Sold Libya Advanced Bornber", **New York Times**, 15April 1989, p12.
50. Ibid, p15.
51. Ibid, p18.
۵۲. کنت آرتیمرمن، سوداگری مرگ: ناگفته‌های جنگ ایران و عراق، ترجمه: احمد تدین، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۵۵.
۵۳. همان، ص ۶۲.
۵۴. دلایل و زمینه‌های برتری عراق در ماه‌های پایانی جنگ چه بود که باعث تسریع در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شد؟ در: <http://www.sajed.ir>
55. Diana Johnstone, "Little Satan' Stuck in the Arms Export Trap", **MERIP Reports**, No, 148. Sept.-Oct.1987.pp 8-9.
56. James Kelly. "Battling for Advantage," **Time**. 24October, 1983. p. 35.
۵۷. وفیق السامرای، ویرانی دروازه شرقی، مترجم عدنان قارونی، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی سپاه، ۱۳۸۰، صص ۱۳۹-۱۳۸.
58. Drew Middleton, "Will Iran's 'Vietnam' Be Khomeini's Downfall." **Navy Times**, 11February 1985. p. 23.
59. Ibid. p38.
60. Evans and Company. **Op.cit.** p40.
۶۱. یکتا، پیشین، ص ۱۶۶.
۶۲. ثانی نژاد، پیشین، ص ۶۵.
۶۳. آرتیمرمن، پیشین، ص ۵۶.
64. Mansour Farhang, "The Iran-Iraq war:The Feud, The Tragedy,The Spoils", **World Policy Journal**, Vol 2, Fall 1985.p 668. See also Cordesman, Op.cit. pp 23-36.
65. Rasheed Ahmed, "Saddam admits Iran gas attacks", **The Australian**, 19 December 2006. at: <http://www.theaustralian.news.com.au/story/0,20867,20950607-1702,00.html>
66. Ibid.